

سخنرانی جناب دکتر علیرضا نوربخش پیر سلسله نعمت اللّهی

نهم فروردین سال هزار و سیصد و نود و نه

یا حق

۹ فروردین ۱۳۹۹

در تصوف تسلیم به خداوند یکی از اصول طریقت است. تسلیم به معنی پذیرفتن شرایط موجود در زندگی است. البته این بدین معنا نیست که ما نباید سعی در تغییر و غلبه بر شرایط اضطراری و سختی چون گرسنگی، بیماری و خودکامگی داشته باشیم.

تسلیم به خداوند یعنی پذیرفتن شرایطی در زندگی که از کنترل ما خارج است. زیرا اضطراب و نگرانی در چنین مواردی بی حاصل است و ما باید به زندگی خود ادامه دهیم. برای مثال استفاده از دارو در هنگام بیماری کاری ضروریست و با تسلیم به خداوند مغایرتی ندارد. اما نگرانی در مورد مرگ خود و عزیزان مان بیهوده است. زیرا مرگ غیر قابل اجتناب است و ما بر آن سلطه‌ای نداریم. بیماری جهانی حاضر و رشد سریع آن در دنیا ما را با موقعیتی مواجه کرده است که از کنترل ما خارج است. در عین حال این عقیده که ما باید شرایط حاضر را بپذیریم و برای بیماری و مرگ آماده باشیم، نابخردانه و حتی ظالمانه است. اینکه بگوئیم باید با خونسردی و خوشبینی با موقعیت روبرو بشویم درست است، اما اینکه بگوئیم نباید نگران مرگ خود در شرایط حاضر باشیم و یا اینکه اضطراب و ترس ما در باره آینده توجیه پذیر نیست، به نظر نامعقول است.

اراده برای زندگی کردن و زنده ماندن شاید قوی‌ترین غریزه بشر و سایر موجودات زنده است. پس چگونه می‌توانیم خود را به خداوند تسلیم کنیم و در عین حال بر ترس از بیماری و مرگ چیره شویم؟

برای صوفیان تنها راه نهراسیدن از مرگ، مردن از خواهش‌های نفسانی و خودخواهانه است. همان‌طور که صوفیان می‌گویند: بمیر قبل از آنکه مرگ به سراغت آید. باید از وابستگی‌های خود و هویت خود یعنی شخصیتی که به دنیا عرضه می‌کنیم با تمام خواست‌ها و آرزوهایش بمیریم تا

بتوانیم بر ترس خود غلبه کنیم. زمانی که این وابستگی‌ها را رها کنیم و هویت خود را نادیده بگیریم، دیگر ترس و اضطراب ناشی از مرگ را تجربه نخواهیم کرد.

هنگامی که خود را از وابستگی‌ها آزاد می‌کنیم می‌توانیم همه چیز را آنگونه که هست بپذیریم. اینجاست که حقیقتاً به خداوند تسلیم می‌شویم. اما مرگ از خواهش‌های نفسانی و رها کردن وابستگی‌ها تنها با نیروی عشق میسر است.

عشق زُدایشگر همه وابستگی‌ها و ویران کننده همه ترس‌هاست. به گفته مولانا:

بمیرید بمیرید در این عشق بمیرید	در این عشق چو مُردید همه روح پذیرید
بمیرید بمیرید وزین مرگ مترسید	کزین خاک برآید سماوات بگیرید

البته، عشقی که در اینجا مدّ نظر مولوی است عشق بلاشرط به خداوند است، اما حتی اگر کسی به عشق الهی معتقد نباشد، می‌تواند با عشق ورزیدن به دیگران به وارستگی و آزادگی دست یابد.

یا حق